



Research Article

The Role of Psychological Capital on the Ability to Solve Social Problems Through Mediation Intellectual Preferences

Fahimeh Askari: Master of Educational Psychology, Department of Psychology. Faculty of literature and humanities, Shahid Bahonar University; Kerman; Iran.

Fahimeh_askari@ens.uk.ac.ir

Mahshid Tajrobeckar:* Assistant professor of educational psychology, Department of Psychology, Faculty of literature and humanities, Shahid Bahonar University; Kerman; Iran.

m.tajrobeckar@uk.ac.ir

Afsaneh Towhidi: Associate professor, of educational psychology, Department of Psychology, Faculty of literature and humanities, Shahid Bahonar University .Kerman. Iran

atowhidi@uk.ac.ir

Abstract

This study aimed to examine the role of psychological capital on solving social problems through mediation role of intellectual preferences. The methodology was descriptive-correlational, and the sample size was based on Cochran's formula, 384 people according to the number of the population. The subjects were selected by multi-stage cluster sampling approach within each cluster by simple random sampling method. The social problem-solving inventory, psychological capital questionnaire, and intellectual preferences questionnaire were used in this study to collect data. According to the results, psychological capital can directly explains changes in social problem-solving. Also, psychological capital indirectly affects the variable of ability to solve social problems through the mediating variable of intellectual preferences which has the highest impact in this model. On the other hand, the results demonstrated that the selected model fits the data. Therefore, psychological capital as a desirable psychological capacity and using intellectual preferences, affect the ability to find solutions and facilitates it.

Key Words: Social problem solving, psychological capital, intellectual preferences

*. Corresponding author



نقش سرمایه روانشناختی بر توانایی حل مسئله اجتماعی با میانجی‌گری ترجیحات فکری

فهیمة عسکری، کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران.

Fahimeh_askari@ens.uk.ac.ir

مهشید تجربه‌کار*، استادیار روان‌شناسی تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

m.tajrobehkar@uk.ac.ir

افسانه توحیدی، دانشیار روان‌شناسی تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

atowhidi@uk.ac.ir

چکیده

هدف از این مطالعه، بررسی نقش سرمایه روانشناختی و توانایی حل مسئله اجتماعی با توجه به میانجی‌گری ترجیحات فکری بود. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی و حجم نمونه با توجه به تعداد افراد جامعه و براساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به دست آمد. آزمودنی‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و درون هر خوشه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های حل مسئله اجتماعی، سرمایه روانشناختی و ترجیحات فکری استفاده شد. نتایج نشان دادند سرمایه روانشناختی، تغییرات حل مسئله اجتماعی را به‌طور مستقیم تبیین می‌کند. همچنین، سرمایه روانشناختی به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی ترجیحات فکری بر متغیر توانایی حل مسئله اجتماعی تأثیر دارد که بیشترین تأثیر را در این مدل داراست. همچنین، نتایج نشان دادند مدل انتخابی با داده‌ها برازش دارد؛ بنابراین، سرمایه‌های روانشناختی به‌عنوان یک ظرفیت روانی مطلوب و با بهره‌گیری از ترجیحات فکری، بر توانایی راه‌حل‌یابی افراد تأثیر می‌گذارد و آن را تسهیل می‌کند.

واژه‌های کلیدی: حل مسئله اجتماعی، سرمایه روانشناختی، ترجیحات فکری

مقدمه

با نگاهی به سیر تحول تعاملات اجتماعی، موفقیت‌های انسان در برخورد و حل مسائل اجتماعی، به توانمندی‌های فردی و اجتماعی او مرتبط است. در این میان، شیوه‌های بازنمایی ذهنی مسائل، دارای اهمیت فراوان است. انسان‌ها در فرایند تحول خویش، به شکل‌های متنوعی موقعیت‌های پیرامونی خویش از جمله موقعیت‌های مشکل‌زا را تجزیه و تحلیل و درک می‌کنند. آنها به واسطه این شیوه‌ها به شناخت موقعیت‌های مشکل‌زا دست پیدا می‌کنند. با استمرار این موقعیت‌های مسئله‌دار، رویکردهای نسبتاً ثابتی در نظام شناختی فرد شکل می‌گیرد و چگونگی حل مسئله بین فردی را تعیین می‌کند. حل مسئله اجتماعی، فرایندی شناختی است که با آن فرد می‌تواند راه حل مناسبی برای یک مشکل پیدا کند (پیرامی و همکاران، ۱۳۹۱). درواقع وقتی افراد از مهارت حل مسئله برای حل کردن مسائل فردی و اجتماعی خود استفاده می‌کنند، به آن مهارت، حل مسئله اجتماعی می‌گویند (زهراکار و همکاران، ۱۳۸۹). با توجه به مدل حل مسئله اجتماعی، پیامدهای حل مسئله در واقعیت به‌طور گسترده، با دو فرایند نسبتاً مستقل از هم تبیین می‌شوند: الف) جهت‌گیری مسئله^۱ و ب) مهارت حل مسئله^۲ (دزوریل و همکاران، ۲۰۰۲). جهت‌گیری مسئله، قسمت انگیزشی حل مسئله است؛ در حالی که مهارت حل مسئله، فرایندی است که در آن شخص می‌کوشد تا راه حل مؤثر مسئله را از طریق به‌کارگیری راهبردهای حل مسئله پیدا کند. جهت‌گیری مثبت فرد نسبت به مسئله نشان‌دهنده آمادگی روانشناختی فرد برای حل مسئله و به‌کارگیری مهارت‌های منطقی برای حل آن است؛ در حالی که جهت‌گیری منفی، نشان‌دهنده آمادگی شناختی و

هیجانی مختل است که در آن فرد، مسئله را برای خود تهدید فرض می‌کند و مسئله را حل‌نشده می‌داند؛ درنتیجه، از رویارویی با آن اجتناب می‌کند (چراغی و ابوالمعالی، ۱۳۹۴).

سرمایه روانشناختی یکی از سازه‌های روانشناختی است که زیرمجموعه روانشناسی مثبت‌گراست و جهت‌گیری مثبت نسبت به مسائل و تأثیر بسزایی در حل مشکلات روانی و رفتاری دارد (یوسف و لوتاز، ۲۰۱۵). سرمایه روانشناختی^۳ افراد را در مقابله با شرایط ناگوار مجهز و به حفظ بهداشت روانی آنان کمک می‌کند (فطین و همکاران، ۱۳۹۷). پژوهش‌ها نشان داده‌اند افراد دارای سطوح بالای سرمایه روانشناختی توانایی حل مسئله بیشتری دارند. آنها تمایل دارند تا از راهکارهای متمرکز بر مسئله برای مقابله با استرس استفاده کنند، قدرت خودکنترلی بیشتری دارند و راه‌حل‌های متنوع و سریع‌تری را ارائه می‌دهند. همچنین، باورهای مثبتی نسبت به توانایی‌هایشان دارند، تلاش بیشتری برای دستیابی به اهدافشان انجام می‌دهند و به دنبال شرایطی‌اند تا فرصت‌هایی را برای اثبات توانایی‌هایشان ایجاد کنند. آنها قدرت مقابله با چالش‌ها و راه‌حل‌های جایگزین متعددی در ذهن دارند که به آنها اجازه می‌دهد رویداد‌های غیرمنتظره را بهتر اداره کنند و قادرند بر جنبه منفی شکست خدمات نیز غلبه کنند (باقرپور، ۱۳۹۴). این سازه به‌عنوان حالتی روانشناختی، برگرفته از روانشناسی مثبت، ترکیبی از چهار مؤلفه ادراکی شناختی خودکارآمدی، خوش‌بینی، امید و تاب‌آوری است. این ابعاد در فرایند تعاملی و ارزشیابانه، به زندگی فرد معنی می‌بخشند و تلاش او را برای موفقیت‌های فشارزا تداوم می‌دهند (وحیدی و جعفری هرندی، ۱۳۹۶).

^۳. Ppsychological capital

^۱. Problem orientation

^۲. Problem-solving skills

تاب‌آوری، توانایی فرد برای سازگاری موفقیت‌آمیز با سختی‌ها و مشکلات زندگی و به دست آوردن شایستگی‌های اجتماعی، هیجانی و تحصیلی است (رشیدی کوچی و همکاران، ۱۳۹۵). افراد تاب‌آور از مهارت‌های خوش‌بینی بالاتر و مهارت‌های حل مسئله اجتماعی بالاتری برخوردارند و جهت‌گیری مثبتی نسبت به مسئله دارند و رویکردی منطقی برای حل مسائل زندگی خویش انتخاب می‌کنند (شارما، ۲۰۱۵). افراد خودکارآمد در مواجهه با هدف‌های چالش‌برانگیز احساس توانایی می‌کنند؛ درمقابل، افرادی که خودکارآمدی ضعیفی دارند در مقابل سختی‌ها دچار ناکارآمدی و استرس می‌شوند. امید به انسان‌ها انرژی می‌دهد و آنها را برای فعالیت و کار آماده می‌سازد و به سوی اهداف و برر سی راههای مناسب انگیزه می‌دهد. خوش‌بینی به افراد کمک می‌کند موقعیت‌های دشوار را به طریق کارآمدتر مدیریت کنند، به شکل مثبت بیندیشند و بهترین راه حل را بیابند و به آن عمل کنند (مشتاقی و مؤیدفر، ۱۳۹۶).

رشد سرمایه روانشناختی، به‌گزینش راهکارهای مقابله کارآمد در مواجهه با وقایع تنش‌زای زندگی منجر می‌شود و به افراد در مقابله با شرایط ناگوار کمک می‌کند و توانایی حل مسائل زندگی را به آنها می‌دهد (بهادری خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۱). رسولی و تاجیک (۱۳۹۶) در پژوهش خود بیان می‌کنند افرادی که سرمایه روانشناختی بالایی دارند، در صورت مواجهه با موانع، توانایی بالایی در یافتن مسیرهای جایگزین برای رسیدن به اهداف خود دارند. همین افراد از باورهای خودکارآمدی بالایی برخوردارند و به توانایی خود در دستیابی به اهداف اطمینان دارند؛ در نتیجه، در مواجهه با مشکلات از تمام قوای خود بهره می‌برند.

فطین و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین مهارت حل مسئله اجتماعی و سرمایه روانشناختی رابطه مستقیم وجود دارد. کمالی‌نیا (۱۳۹۷)، نصری و همکاران (۱۳۹۲) و باقرپور (۱۳۹۴) در پژوهش خود دریافتند بین سرمایه روانشناختی و حل مسئله رابطه معناداری وجود دارد.

یکی دیگر از عواملی که به توانایی افراد در مهارت حل مسئله اجتماعی کمک می‌کند، ترجیحات فکری آنهاست (وطن‌خواه و ظهوریان، ۱۳۹۴). روانشناسان شناختی و عصب‌شناسان، فرایندهای عصبی زیرساخت‌های اجزای مغزی را بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بین شیوه تفکر و سیستم مغزی و رفتار، ارتباط وجود دارد (رستگار و همکاران، ۱۳۹۰). انسان‌ها با شیوه منحصر به فرد تفکر، پا به عرصه جهان می‌گذارند، برای حل مسائل شناختی خود از آن شیوه تفکر، استفاده و تجربه کسب می‌کنند. این تجربه‌ها باعث غلبه آن شیوه تفکر می‌شود و سیستم الگوریتمی تفکر را به وجود می‌آورند (حقیقی‌آذر، ۱۳۹۴). این سبک فکری در آغاز فرایند حل مسئله، مانند برنامه‌ای از پیش تعیین شده در بیشتر موقعیت‌ها شروع به فعالیت می‌کند؛ اما به مرور زمان و با یادگیری‌هایی که اتفاق می‌افتد، مغز انسان به سمت طرفی شدن و ترجیح استفاده از یک قسمت برای حل مسائل و مشکلاتی پیش می‌رود که در زندگی روزمره با آن مواجه می‌شود (آرمان و همکاران، ۱۳۹۷). انسان‌ها از دو نیمه مغز خود به شیوه یکسان استفاده نمی‌کنند. مغز رجحان‌های ادراکی^۱ خودش را به وجود می‌آورد. هرمن از پژوهشگران این حوزه، این حالات را رجحان فکری (شناختی) نام گذاری کرد. به کارگیری سطح مهارت بالاتر و واکنش سریع از ویژگی‌های ترجیحات فکری مغز است

^۱. Preferred Modes of Knowing

(وطن‌خواه و ظهوریان، ۱۳۹۴). درواقع افراد برای حل مسئله از حالت مسلط مغز خود استفاده می‌کنند؛ برای مثال، فردی که مسئله‌ای را به‌صورت تحلیلی یا با نگاه به آمار و ارقام حل می‌کند و آن را در درون فرمول منطقی یا فرایندی متوالی قرار می‌دهد، در حال استفاده از نیمکره چپ خود است؛ برعکس اگر فرد به دنبال الگوها و تصاویری باشد که تأثیرات حسی در بر دارند و ادراکی شهودی از کل یک پدیده به دست می‌دهند، از نیم کره راست مغز خود استفاده می‌کند (عربی و همکاران، ۱۳۹۳).

مدل چهاربخشی ندهرمین که به «ابزار تعیین حاکمیت مغز هرمن»^۱ معروف است، قسمت‌های A و B را به بخش چپ مغز و قسمت‌های C و D را به بخش راست مغز اختصاص می‌دهد. این مدل رفتاری نشان می‌دهد مغز نه تنها از لحاظ فیزیکی، از لحاظ شیوه کار نیز اختصاصی و منحصر به فرد است و حالات اختصاصی آن به چهار بخش یا چهار ربع متمایز با ارزش‌ها، زبان و شیوه‌های دانستن مخصوص خود قسمت‌بندی می‌شود (حقیقی آذر، ۱۳۹۴). افراد شیوه‌های متفاوتی از تفکر و ترجیح، در هر ربع را دارند (هریس و همکاران، ۲۰۰۶). چهار سبک تفکر از ترکیب تسلط چپ یا راست، لیمبیک یا سربرال نشئت می‌گیرد که نتیجه آن در خصوصیات رفتاری فرد متفاوت است (مقدسی، ۱۳۸۸؛ چرچیل، ۲۰۰۸).

تفکر تحلیلی ربع A واقعی، تحلیلی، کمی، استدلالی و انتقادی است. این ربع با تحلیل داده‌ها، حل مسئله تحلیلی و تصمیم‌گیری سروکار دارد. این ربع عملکرد گراست. تفکر ترتیبی ربع B، سازمان‌یافته، برنامه‌ریزی‌شده، کنترل‌شده و محافظه‌کار است. این افراد دائماً از قانون و نظم و خودانضباطی صحبت

می‌کنند. آنها تولیدگرا و وظیفه‌طلب هستند (حائری‌زاده و محمدحسین، ۱۳۸۶). تفکر بین‌فردی ربع C، احساسی، بین‌فردی و نمادین است. با احساسات، ارزش‌ها، هیجان‌های فیزیکی و موسیقی سروکار دارد. تفکر ربع C همیارانه و معنوی است. آنها علاقه‌مند به کارگروهی، در میان گذاشتن احساسات و همیاری‌اند. تفکر تخیلی ربع D، کل‌نگر، خلاق، انعطاف‌پذیر و شهودی است. افراد این گروه، مبتکر، استنتاجی، شهودی و مستقل‌اند (وطن‌خواه و ظهوریان، ۱۳۹۴؛ حائری‌زاده و محمدحسین، ۱۳۸۶). پژوهش‌های هرمن نشان دادند ۷٪ افراد فقط بر تفکر یک ربع مغز تسلط دارند، ۶۰٪ تسلط دوتایی، ۳۰٪ تسلط ۳ تایی و فقط ۳٪ تسلط چهارگانه دارند (خزایی، حسن‌زاده و خزایی، ۱۳۹۲).

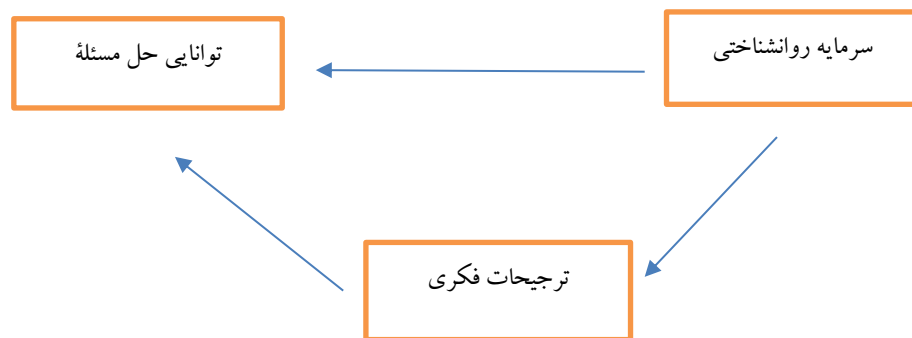
تسلط مغزی مانند اندام برتری است؛ در نتیجه، افراد کارهای مورد علاقه خود را با صرف وقت و انرژی کمتر و با کیفیت بهتر انجام می‌دهند (فارمر، ۲۰۰۴). سبک فکری هر فرد او را از متفاوت نگاه کردن به مسائل باز می‌دارد و باعث می‌شود افراد در رویارویی با مسائل به یک شیوه خاص عمل کنند. این در حالی است که همگی از این نکته غافل‌اند که به دلیل تفاوت ادراکی بین انسان‌ها، هر فرد واقعیتی را که درک می‌کند با واقعیتی که دیگران درک می‌کنند، متفاوت است (هرمن، ۱۹۹۵). پس شیوه چگونگی تفکرات آنها در رویارویی با مسائل و مشکلات و پذیرش یا مقاومت در برابر تغییرات، با هم متفاوت است (حامدی و همکاران، ۱۳۹۹). یافتن شیوه تفکر و تسلط مغزی فرد برای روبه‌روشدن با مسائل و مشکلات فرد به‌خصوص در اجتماع و زندگی با هم نوعان و سوق دادن فرد و آموزش او برای رسیدن به تفکر تمام‌مغزی، بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی فرد را حل می‌کند. فردی که

^۱. Herrmann Brain Dominance Instrument (HBDI)

پژوهش‌های انجام‌شده، مؤید رابطه بین ترجیحات فکری و حل مسئله است. هدایتی و ماه‌زاده (۱۳۹۵)، مقدسی و همکاران (۱۳۹۳) و عزیزی‌نژاد (۱۳۹۵) در پژوهش خود بیان می‌کنند افراد برای حل مسئله از حالت مسلط مغز خود استفاده می‌کنند که نشان‌دهنده چگونگی برخورد آنها با مسائل و مشکلات خویش و نحوه روبرویی با آنهاست. زمانی افراد می‌توانند مسئله‌ای را به‌خوبی حل کنند که از سه یا چهار ربع مغزی خود کمک بگیرند.

با توجه به مطالب بالا، الگوی نظری پژوهش براساس الگوی ارائه‌شده در شکل ۱ در نظر گرفته می‌شود:

بخواهد حل مسئله بهتری داشته باشد، باید بتواند از هر چهار قسمت مغز خود به‌صورتی متعادل استفاده کند (دی بوئر و همکاران، ۲۰۰۱) تا به تفکر تمام‌مغزی و مهارت حل مسئله دست یابد (مقدسی و همکاران، ۱۳۸۹). تکنولوژی مغز کامل هرمن، راهگشای خلق دانش، مدیریت و حل مسائل و تصمیم‌گیری‌های بهتر است (خزایی، حسن‌زاده و خزایی، ۱۳۹۲). یافتن شیوه تفکر فرد و آموزش او برای رسیدن به تفکر تمام‌مغزی و همچنین، افزایش سرمایه روانشناختی وی بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی فرد را حل می‌کند و همه این موارد، در گرو آموزش در این زمینه است.



شکل ۱. الگوی نظری پژوهش در باب رابطه سرمایه روانشناختی با ترجیحات فکری و توانایی حل مسئله اجتماعی

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: پژوهش حاضر از نظر چگونگی گردآوری اطلاعات، توصیفی و از نوع همبستگی و مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری است. سرمایه روانشناختی متغیر پیش‌بین، توانایی حل مسئله اجتماعی، متغیر ملاک و ترجیحات فکری، متغیر میانجی بودند. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانشجویان مشغول به تحصیل دانشگاه شهید باهنر کرمان به تعداد ۱۴۰۰۰ نفر و حجم نمونه با توجه به تعداد افراد جامعه و براساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به دست آمد. آزمودنی‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای

بنابراین، سؤال اصلی در این پژوهش به این صورت است که آیا سرمایه روانشناختی از طریق ترجیحات فکری بر توانایی حل مسئله اجتماعی تأثیر دارد. فرضیه‌های اصلی این پژوهش به شرح زیرند:

- ۱- سرمایه روانشناختی بر توانایی حل مسئله اجتماعی تأثیر مستقیم دارد. ۲- ترجیحات فکری بر توانایی حل مسئله اجتماعی تأثیر مستقیم دارد. ۳- سرمایه روانشناختی بر توانایی حل مسئله اجتماعی به‌طور غیرمستقیم و از طریق ترجیحات فکری تأثیر دارد. ۴- مدل مفهومی ارائه‌شده با داده‌ها برازش دارد.

چند مرحله‌ای و درون هر خوشه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در این مطالعه از سه پرسشنامه برای سنجش حل مسئله اجتماعی، سرمایه روانشناختی و ترجیحات فکری استفاده شده است:

ابزار سنجش: پرسشنامه توانایی حل مسئله اجتماعی (SPSI)^۱: دزوریل و همکاران (۲۰۰۲) این ابزار را به منظور اندازه‌گیری مهارت‌های حل مسئله اجتماعی طراحی کردند. فرم کوتاه تجدیدنظرشده پرسشنامه حل مسئله اجتماعی که در این پژوهش از آن استفاده شد، یک مقیاس خود گزارش‌دهی برای اندازه‌گیری مهارت‌های حل مسئله اجتماعی است که مخبری و همکاران (۱۳۸۹) ترجمه و اعتباریابی کردند. فرم بلند این پرسشنامه ۵۲ سؤالی است و ۵ خرده‌مقیاس دارد؛ اما فرم کوتاه آن ۲۵ سؤال دارد و همان ۵ خرده‌مقیاس را اندازه‌گیری می‌کند. نمره‌گذاری براساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از کاملاً نادرست تا کاملاً درست است. دو خرده‌مقیاس، جهت‌گیری حل مسئله را اندازه‌گیری می‌کنند. سؤالات ۱۴، ۷ و ۵ جهت‌گیری مثبت حل مسئله و سؤالات ۲۲، ۱۳، ۹، ۴ و ۲ جهت‌گیری منفی حل مسئله و سه خرده‌مقیاس آن نیز سبک حل مسئله اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کنند. برای به دست آوردن نمره کل مقیاس، باید نمره هر مقیاس را بر تعداد آیت‌های خرده‌مقیاس تقسیم کرد. پایایی آزمون مجدد پرسشنامه بین ۰/۶۸ تا ۰/۹۱ و ضریب آلفای آن بین ۰/۶۹ تا ۰/۹۵ گزارش شده است (دزوریل و همکاران، ۲۰۰۲). پایایی این پرسشنامه در پژوهش عرب‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) براساس آلفای کرونباخ، ۰/۷۸ اعلام شده است. در این مطالعه، ضریب آلفای کرونباخ برای پایایی متغیر حل مسئله اجتماعی (۰/۷۹) به دست آمد.

پرسشنامه سرمایه روانشناختی^۲ (PCQ): در این پژوهش برای سنجش سرمایه روانشناختی از پرسشنامه سرمایه روانشناختی لوتانز و همکاران (۲۰۰۷) استفاده شد. این پرسشنامه ۲۴ گویه دارد و چهار خرده‌مقیاس امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی را سنجش می‌کند. هر گویه شامل مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم است. گویه‌های ۱ تا ۶، مؤلفه خودکارآمدی گویه‌های ۷ تا ۱۲ مؤلفه امیدواری؛ گویه‌های ۱۳ تا ۱۸ مؤلفه تاب‌آوری و گویه‌های ۱۹ تا ۲۴ مؤلفه خوش‌بینی را می‌سنجند. برای محاسبه نمره سرمایه روانشناختی، نمره هر خرده‌مقیاس محاسبه می‌شود؛ سپس با جمع نمرات خرده‌مقیاس‌ها نمره کلی (سرمایه روانشناختی) به دست می‌آید. لوتانز و همکاران (۲۰۰۷) با استفاده از تحلیل عاملی و معادلات ساختاری، نسبت خنثی دو این آزمون را ۲۴/۶ و آماره‌های CFI و RMSEA این مدل را ۰/۹۷ و ۰/۰۸ گزارش کرده‌اند. بهادری خسروشاهی و همکاران (۱۳۹۱) پایایی پرسشنامه را ۰/۸۵ گزارش دادند. پایایی پرسشنامه سرمایه روانشناختی در این مطالعه، ۰/۸۲ به دست آمد.

پرسشنامه ترجیحات فکری^۳: نسخه اصلی پرسشنامه ترجیحات فکری، آزمون تعیین سبک تفکر مغزی هرمن^۴ (رستگار و همکاران، ۱۳۹۰) است. با توجه به اینکه تصحیح شکل اصلی پرسشنامه ۱۲۰ سؤالی تسلط مغزی، به عهده مؤسسه بین‌المللی هرمن است، در این مطالعه از پرسشنامه ۶۰ سؤالی هم‌ارز با آزمون اصلی (HBDI) استفاده شد. این پرسشنامه فعالیت‌های ترجیحی هریک از ربع‌های مغزی را براساس مدل ۴ ربعی نظریه هرمن مطابقت داده است و حائری‌زاده و محمدحسین (۱۳۸۰) آنها را به‌صورت پرسش‌نامه 60

^۳. Intellectual Preferences Questionnaire

^۴. Hermann Brain Dominance Instrument (HBDI)

^۱. Social problem solving inventory

^۲. Psychological Capital Questionnaire (PCQ)

همکاری استادان محترم، لینک پرسشنامه‌ها در گروه مجازی کلاس توزیع شد. در مجموع، ۴۰۸ پرسشنامه (به‌صورت حضوری و مجازی) تکمیل شدند. پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های ناقص، تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از الگوی معادلات ساختاری انجام گرفت. همچنین، تحلیل‌های انجام‌شده با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS19 و Amos18 صورت پذیرفت.

یافته‌ها

از تعداد ۳۸۳ نفر دانشجویان شرکت‌کننده در این پژوهش، ۲۴۷ نفر (۶۴/۵ درصد)، مجرد و تعداد ۱۳۴ نفر (۳۵ درصد)، متأهل و تعداد ۲ نفر (۰/۵ درصد) نیز این گزینه را پی‌پاسخ گذاشته بودند. ۱۲۵ نفر (۳۲/۶ درصد) شاغل، تعداد ۲۵۶ نفر (۶۶/۹ درصد) بدون شغل و ۲ نفر (۰/۵ درصد) به این مقوله پاسخ نداده‌اند. ۱۶۴ نفر (۴۲/۸ درصد) علوم انسانی، تعداد ۳۴ نفر (۸/۹ درصد) علوم پایه، تعداد ۱۰۴ نفر (۲۷/۲ درصد) فنی مهندسی، تعداد ۳۵ نفر (۹/۱ درصد) هنر و تعداد ۴۵ نفر (۱۱/۷ درصد) علوم پزشکی بودند و نیز تعداد ۱ نفر (۰/۳ درصد) این گزینه را پی‌پاسخ گذاشته بودند. قبل از بررسی به شاخص‌های توصیفی متغیرها پرداخته شده است.

سؤالی با ۴ زیرمقیاس تدوین کرده‌اند (حقیقی آذر، ۱۳۹۴، ص ۶۳). در این پرسشنامه، میزان تسلط مغزی افراد را در چهار ربع مغزی A، ربع مغزی B، ربع مغزی C و ربع مغزی D سنجیده می‌شود (آرمان و همکاران، ۱۳۹۷). درخصوص بررسی اعتبار درونی و بیرونی این پرسشنامه، هرمن پرسشنامه اولیه سنجش تسلط ربع‌های مغزی را در سال ۱۹۷۶ در چندین مرحله ارزیابی کرد (باندروسن، ۱۹۹۲؛ به نقل از صبحی قراملکی، ۱۳۹۳). پایایی پرسشنامه در پژوهش مقدسی و همکاران (۱۳۸۸)، ۰/۸۴ محاسبه شد.

روش اجرا و تحلیل: روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش به دو شیوه حضوری و غیرحضوری بود. پس از کسب مجوز لازم برای توزیع پرسشنامه‌ها، ۴ دانشکده به شیوه تصادفی انتخاب شدند. سپس در هر دانشکده، از هر بخش، کلاس‌هایی به تصادف انتخاب شدند. پس از هماهنگی با استادان کلاس‌های انتخاب شده، توضیحات لازم به دانشجویان داده شد و پرسشنامه‌ها در اختیار آنها قرار گرفت و پس از پاسخگویی جمع‌آوری شد. حدود دو سوم پرسشنامه‌ها به صورت حضوری تکمیل شد. به علت شیوع ویروس کرونا و برگزاری کلاس‌ها به شیوه غیرحضوری، پرسشنامه‌ها به صورت الکترونیکی آماده شدند و با

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

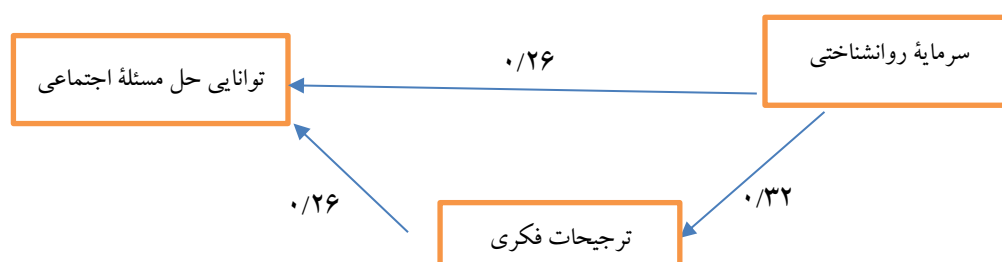
متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
سرمایه روانشناختی	۳۸۴	۳/۳۰	۰/۶۸	-۰/۳۲	۰/۵۷
حل مسئله اجتماعی	۳۸۴	۱/۵۱	۰/۵۶	۰/۴۰	۰/۲۶
ترجیحات فکری	۳۸۴	۳/۹۷	۰/۴۲	-۰/۵۲	-۰/۵۳

حل مسئله اجتماعی برابر است با ۱/۵۱ و ۰/۵۶؛ میانگین و انحراف استاندارد متغیر ترجیحات فکری برابر است با ۳/۹۷ و ۰/۴۲.

با توجه به جدول شماره ۱، میانگین و انحراف استاندارد متغیر سرمایه روانشناختی به ترتیب برابر است با ۳/۳۰ و ۰/۶۸؛ میانگین و انحراف استاندارد متغیر توانایی

پیش از بررسی مدل ساختاری پژوهش، بررسی پیش‌فرض‌های این رویکرد آماری ضروری است. بنابر پیشنهاد کلاین (۲۰۱۶) مفروضه‌های بهنجاری تک‌متغیری به کمک برآورد مقادیر کجی و کشیدگی، آزمون و تأیید شدند. با توجه به اینکه دامنه کجی و کشیدگی متغیرها در بازه ± 2 قرار داشت، نرمال‌بودن تک‌متغیری تأیید شد. برای بررسی نرمال‌بودن چندمتغیری از ضریب کشیدگی استاندارد شده مردیا^۱ و نسبت بحرانی استفاده شده است. بنابر پیشنهاد بلانچ (۲۰۱۲)، مقادیر کوچک‌تر از ۵ برای نسبت بحرانی به‌عنوان تخطی‌نکردن از نرمال‌بودن چندمتغیره در نظر گرفته می‌شود. در این پژوهش، ضریب مردیا، $4/011$ و نسبت بحرانی، $2/796$ به دست آمد که کمتر از عدد ۵ است؛ بنابراین،

فرض نرمال‌بودن چندمتغیری برقرار است. برای بررسی نبود داده‌های پرت چندمتغیری، شاخص فاصله ماهالانویس^۲ بررسی شد و سطوح معناداری کمتر از $0/05$ حاکی از دور افتاده بودن داده‌های پرت مدنظر است. بر اساس این شاخص، تعداد ۱۰ داده پرت، شناسایی و از تحلیل کنار گذاشته شدند؛ بنابراین، بررسی پیش‌فرض‌های آماری نشان داد روش مدل‌یابی معادلات ساختاری روش مناسبی برای ارزیابی برازش مدل است و برای برآورد پارامترها از روش بیشینه درست‌نمایی^۳ استفاده شده است. برای بررسی میزان تأثیرگذاری عوامل بر یکدیگر و برازش مدل مفهومی، از مدل معادلات ساختاری استفاده شد که در شکل زیر، ضرایب مسیر و اعداد معنی‌داری آن نشان داده شده‌اند.



شکل ۲. ضرایب مسیر استاندارد مدل ساختاری پژوهش

برای آزمون معنی‌داری ضرایب مسیر بین متغیرها از خروجی نرم‌افزار استفاده شده است. ضرایب مسیر نتایج مربوط به معناداری آنها در جدول زیر نشان داده شده‌اند.

و

جدول ۲. نتایج حاصل از ارزیابی مدل ساختاری

اثرات	رابطه بررسی شده	ضریب مسیر استاندارد شده	آماره آزمون	P	وضعیت ارتباط
β_{11}	سرمایه روانشناختی $\rightarrow$ حل مسئله اجتماعی	۰,۲۶۰	۲,۸۴۹	۰,۰۹۶	وجود ارتباط

^۱ Mardia standardized kurtosis coefficient

^۲ Mahalanobis d-squared method

^۳ Maximum likelihood (ML)

وجود ارتباط	۰,۰۰۰	۳,۶۰۳	۰,۳۲۸	سرمایه روانشناختی ← ترجیحات فکری
وجود ارتباط	۰,۰۰۱	۳,۲۸۰	۰,۲۶۳	ترجیحات فکری ← حل مسئله اجتماعی
مقدار VAF	روش خودگردان‌سازی	آزمون سوبل	سرمایه روانشناختی ← ترجیحات فکری	۰,۶۰۱ (۰,۰۰۰)
۰,۵۸۹	p=۰,۰۱۰	۰,۱۴۷	۲,۳۹۴<۱,۹۶	
			حل مسئله اجتماعی	

است که رابطه میان ترجیحات فکری و توانایی حل مسئله اجتماعی در سطح اطمینان (۰/۹۹) معنی‌دار است؛ بنابراین، فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود. همچنین، ضریب مسیر مابین این دو متغیر برابر (۰/۲۶۳) است و میزان اثرگذاری متغیر ترجیحات فکری بر توانایی حل مسئله اجتماعی را نشان می‌دهد؛ بدین معنا که با یک واحد تغییر در سرمایه روانشناختی، ۰/۲۶ واحد در توانایی حل مسئله اجتماعی افزایش دیده می‌شود.

در ادامه به بررسی اثر غیرمستقیم سرمایه روانشناختی بر توانایی حل مسئله اجتماعی پرداخته می‌شود. مطابق جدول ۲، مقدار آماره آزمون سوبل برابر ۲,۳۹۴ است که بزرگ‌تر ۱,۹۶ است و بنابراین، با استفاده از این آزمون، فرضیه سوم پژوهش در سطح معنی‌داری ۰,۰۵ تأیید می‌شود. به عبارت دیگر، با توجه به نتیجه حاصل از آزمون سوبل، رابطه سرمایه روانشناختی و حل مسئله اجتماعی دانشجویان با میانجی‌گری ترجیحات فکری معنی‌دار است. همچنین، با استفاده از روش خودگردان‌سازی، اثر غیرمستقیم بین دو متغیر برابر ۰,۱۴۷ با مقدار P برابر ۰,۰۱۰ است که نشان‌دهنده معنی‌داری اثر غیرمستقیم متغیر سرمایه روانشناختی و حل مسئله اجتماعی دانشجویان با میانجی‌گری ترجیحات فکری است؛ بنابراین، روش خودگردان‌سازی نیز مؤید نتیجه حاصل از آزمون سوبل است.

معیار VAF^۱. این معیار بیان می‌کند اثر غیرمستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته، چه سهمی از اثر کل متغیر

مطابق با جدول ۲، آماره معنی‌داری بین متغیر سرمایه روانشناختی و توانایی حل مسئله اجتماعی برابر (۲/۸۴۹) است که بزرگ‌تر از سطح معنی‌داری است و نشان‌دهنده این است که رابطه میان سرمایه روانشناختی و توانایی حل مسئله اجتماعی در سطح اطمینان (۰/۹۹) معنی‌دار است؛ بنابراین، فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. همچنین، ضریب مسیر مابین این دو متغیر برابر (۰/۲۶۰) است و میزان اثرگذاری متغیر سرمایه روانشناختی بر توانایی حل مسئله اجتماعی را نشان می‌دهد؛ بدین معنا که با یک واحد تغییر در سرمایه روانشناختی، ۰/۲۶ واحد در توانایی حل مسئله اجتماعی افزایش دیده می‌شود.

همچنین، مطابق با جدول ۲، آماره معنی‌داری بین متغیر سرمایه روانشناختی و ترجیحات فکری برابر (۳/۶۰۳) است که بزرگ‌تر از سطح معنی‌داری است و نشان‌دهنده این است که رابطه میان سرمایه روانشناختی و ترجیحات فکری در سطح اطمینان (۰/۹۹) معنی‌دار است. همچنین، ضریب مسیر مابین این دو متغیر برابر (۰/۳۲۸) است و میزان اثرگذاری متغیر سرمایه روانشناختی بر ترجیحات فکری را نشان می‌دهد؛ بدین معنا که با یک واحد تغییر در سرمایه روانشناختی، ۰/۳۲ واحد در ترجیحات فکری افزایش دیده می‌شود.

مطابق با جدول ۲؛ آماره معنی‌داری بین ترجیحات فکری و توانایی حل مسئله اجتماعی برابر (۳/۲۸۰) است که بزرگ‌تر از سطح معنی‌داری است و نشان‌دهنده این

^۱ Variance accounted for

مستقل را داراست. در اینجا مقدار VAF برابر ۰,۵۸۹ به دست می‌آید. به عبارت دیگر، تقریباً ۵۹ درصد از واریانس متغیر توانایی حل مسئله اجتماعی دانشجویان به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیر ترجیحات فکری تبیین می‌شود؛ بنابراین، میانجی‌گری متغیر ترجیحات فکری در رابطه میان دو متغیر سرمایه روانشناختی و حل مسئله

اجتماعی موجه بوده و به عبارت دیگر، رابطه سرمایه روانشناختی و حل مسئله اجتماعی به واسطه‌گری ترجیحات فکری معنی‌دار است. برای برازش مدل ساختاری پژوهش از تعدادی از شاخص‌های نیکویی برازش استفاده شده است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل ساختاری پژوهش

شاخص‌های برازش	مقدار	دامنه پذیرفتنی	تفسیر
χ^2	۱/۰۲۹ (P=۰/۳۱)	P بیشتر از ۰/۰۵	برازش کاملاً مطلوب
تقسیم χ^2 بر درجه آزادی	۱/۰۲۹ ÷ ۱ = ۱/۰۲۹	از کمتر از ۲ تا حداکثر ۵	برازش کاملاً مطلوب
GFI	۰/۹۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	برازش کاملاً مطلوب
AGFI	۰/۹۷۰	بیشتر از ۰/۹۰	برازش کاملاً مطلوب
NFI	۱	بیشتر از ۰/۹۰	برازش کاملاً مطلوب
TLI	۱	بیشتر از ۰/۹۵	برازش کاملاً مطلوب
CFI	۱	بیشتر از ۰/۹۰	برازش کاملاً مطلوب
RMSEA	۰/۰۱	کمتر از ۰/۰۵	برازش کاملاً مطلوب

هدف از ارزیابی برازش کل مدل این است که مشخص شود تا چه اندازه کل مدل با داده‌های تجربی استفاده‌شده سازگاری دارد. این کار براساس شاخص‌های برازندگی صورت می‌گیرد. خي دو، یکی از عمومی‌ترین و پرکاربردترین شاخص‌های برازش است که هرچه مقدار آن کوچک‌تر باشد، برازش مدل تدوین‌شده، رضایت‌بخش‌تر و بهتر است و با توجه به اینکه سطح معناداری خي دو بیشتر از ۰/۰۵ شده (۰/۳۱)، $p = 1$ ، $df = 1$ ، $\chi^2 = 1/029$ می‌توان نتیجه گرفت ساختار کواریانس مدل به‌طور معناداری از ساختار کواریانس مشاهده شده متفاوت نبوده و در نتیجه، مدل تدوین‌شده به‌طور کلی تأیید شده است. شاخص خي دوی بهنجار در این پژوهش مقدار ۱/۰۲۹ به دست آمد؛ اما با توجه

به حساسیتی که مقدار کای اسکور به حجم نمونه دارد، بهتر است برای بررسی مناسب بودن مدل، سایر شاخص‌های برازندگی نیز بررسی شوند. نتایج جدول ۳ نشان دادند شاخص خوبی برازندگی^۱ ($GFI=0/999$)، شاخص تعدیل‌شده خوبی برازندگی^۲ ($AGFI=0/970$)، شاخص هنجار شده برازندگی^۳ ($NFI=1$)، شاخص توکرلویس^۴ که به آن شاخص برازندگی غیر هنجار شده^۵ نیز می‌گویند ($NNFI=1$) و شاخص برازندگی مقایسه‌ای^۶ ($CFI=1$)، ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد^۷ ($RMSEA=0/01$) در دامنه پذیرفتنی قرار دارند؛ بنابراین، همگی این شاخص‌ها نشان دادند مدل، برازندگی بسیار مناسبی با داده‌ها پیدا کرده است (جدول ۳).

۵. Non-Normed Fit Index (NNFI)

۶. Comparative Fit Index (CFI)

۷. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

۱. Goodness of Fit Index (GFI)

۲. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)

۳. Normed Fit Index (NFI)

۴. Tucker-Lewis Index (TLI)

بحث

این مطالعه با هدف نقش واسطه‌ای ترجیحات فکری در تأثیر بین سرمایه روانشناختی و توانایی حل مسئله دانشجویان انجام شده است. مسیر میان سرمایه روانشناختی و توانایی حل مسئله برابر با ۰/۲۶ است. این مقدار گویای این است که سرمایه روانشناختی به میزان ۲۶ درصد از تغییرات حل مسئله اجتماعی را به‌طور مستقیم تبیین می‌کند. همچنین، دو ضریب ۰/۵۹ و ۰/۲۶۳ نیز نشان می‌دهد سرمایه روانشناختی به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی ترجیحات فکری به میزان ۲۶ درصد بر متغیر توانایی حل مسئله اجتماعی تأثیر دارد.

فرض این پژوهش این بود که سرمایه روانشناختی مستقیماً بر توانایی حل مسئله اجتماعی اثر می‌گذارد و نیز از طریق واسطه‌گری ترجیحات فکری بر آن مؤثر است. نتایج نشان دادند مدل انتخابی با داده‌ها برازش مناسبی دارد؛ به‌خصوص حاصل شدن ۰/۹۹ برای GFI نشان از برازش خوب مدل ارائه‌شده دارد. در بررسی کلی مدل برازش‌شده، این نتایج به دست آمد که اثر مستقیم سرمایه روانشناختی بر توانایی حل مسئله و اثر مستقیم ترجیحات فکری بر توانایی حل مسئله اجتماعی، یکسان و برابر با ۰/۲۶ بود. همچنین، نتایج نشان دادند سرمایه روانشناختی به‌طور غیرمستقیم و از طریق ترجیحات فکری به میزان ۰/۵۹ بر متغیر توانایی حل مسئله اثر گذاشته که بیشترین تأثیر را در این مدل داراست. در مجموع، از برازش کلی مدل می‌توان نتیجه گرفت توانایی حل مسئله ناشی از عوامل مختلفی است که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و در نتیجه، موجبات حل مسئله بهتر دانشجویان را فراهم می‌آورد. این نتایج نشان می‌دهند چگونه متغیرهای سرمایه روانشناختی و ترجیحات

فکری به صورت مجموعه‌ای منسجم عمل می‌کنند و بر عملکرد افراد در حل مسئله تأثیر می‌گذارند.

در تبیین این روابط می‌توان گفت افراد با سرمایه روانشناختی بالا خودکنترلی بیشتری دارند و تمایل دارند از راهکارهای حل مسئله بهتر استفاده کنند. این افراد باورهای مثبتی درباره توانایی‌هایشان دارند، برای خود اهداف چالشی، مشخص و برای دستیابی به اهدافشان تلاش می‌کنند. افرادی که از سطوح بالای سرمایه روانشناختی برخوردارند، در هنگام بروز مشکلات، راه‌حل‌های متنوع و خلاقانه ارائه می‌دهند و مسائل و مشکلات را به‌خوبی حل می‌کنند. افرادی که از سرمایه روانشناختی مناسبی برخوردارند، خودکارآمدترند و این مسئله باعث بهبود عملکرد حل مسئله در آنها می‌شود. اهداف سخت، آنها را دچار تردید یا عدم اعتماد به نفس نمی‌کند؛ بلکه با اعتماد کامل به توانایی‌های خود برای حل مسائل و مشکلات خویش تلاش می‌کنند. همچنین، آنها با تاب‌آوری بیشتری به حل مسئله می‌پردازند. سرمایه روانشناختی بالا باعث امیدواری بیشتر می‌شود و نسبت به فرایند حل مسئله، نگرش مثبتی دارند و برای حل مسائل اجتماعی خود، خلاق و کارآمدند. این ویژگی باعث بهبود عملکرد افراد می‌شود و به آنها کمک می‌کند تا با دیدی باز به مسائل نگاه کنند و بر استراتژی‌های حل مسئله تمرکز کنند. نتایج این پژوهش با یافته‌های فطین و همکاران (۱۳۹۷)، کمالی‌نیا (۱۳۹۷)، نصری، صدق‌پور و چراغیان رادی (۱۳۹۲)، باقرپور (۱۳۹۴)، شارما (۲۰۱۵) همخوانی دارد.

همچنین، مشخص شد ترجیحات فکری بر حل مسئله اجتماعی اثر مثبت و معناداری دارد. طبق نظر هرمن، هر فرد دارای ترکیب منحصربه‌فردی از ترجیحات فکری است که سبب رفتارهای مختلف در افراد متفاوت می‌شود (خزایی، حسن‌زاده و خزایی؛

۱۳۹۲). تفاوت افراد در حل مسائل اجتماعی ناشی از استفاده آنها از ترجیحات فکری و نحوه برخوردشان با مسائل و مشکلات پیش روی‌شان است. از نظر هرمن، نظام‌های آموزشی بر مهارت‌های استدلالی بر جزئی ناچیز از قسمت چپ قشر مخ، تمرکز و از قسمت‌های دیگر کمتر استفاده می‌کنند (حائری‌زاده و محمدحسین، ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد افراد باید به شیوه‌ای آموزش ببینند تا هنگام رویارویی با مشکلات، راه حل‌های متعددی را جستجو و پس از بررسی، بهترین راه حل را انتخاب کنند. زمانی فرد می‌تواند مسائل خود را حل کند و مهارت حل مسئله پیدا کند که بتواند از هر چهار ربع مغز خویش استفاده بهتری کند (هدایتی، ماه‌زاده، ۱۳۹۵)؛ بنابراین، دستیابی به تفکر تمام‌مغزی، فرد را در رویارویی با مسائل و مشکلات، به‌خصوص در ارتباط با هموعان یاری می‌دهد (مقدسی و همکاران، ۱۳۹۳). مهم‌ترین رهبران و افرادی که در حل مسئله توانایی زیادی دارند، افرادی‌اند که از تمام مغز خود استفاده می‌کنند (هرمن، ۱۹۹۵).

نتایج نشان دادند ۵۹ درصد از واریانس متغیر توانایی حل مسئله به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیر ترجیحات فکری تبیین می‌شود؛ بنابراین، میانجی‌گری متغیر ترجیحات فکری در رابطه میان دو متغیر سرمایه روانشناختی و توانایی حل مسئله اجتماعی دانشجویان موجه بوده و به عبارت دیگر، رابطه سرمایه روانشناختی و توانایی حل مسئله اجتماعی دانشجویان به واسطه‌گری ترجیحات فکری آنها معنی‌دار است. سرمایه‌های روانشناختی به‌عنوان یک ظرفیت روانی مطلوب و با بهره‌گیری از ترجیحات فکری، بر توانایی راه حل‌یابی افراد تأثیر می‌گذارد و آن را تسهیل می‌کند. توانایی حل مسئله اجتماعی شامل ۴ مرحله تعریف و فرمول‌بندی، تولید و خلق راه‌حل‌های مختلف، تصمیم‌گیری و انتخاب راه‌حل‌های مؤثر و اجرا و ارزیابی راه‌حل‌هاست.

فرد در تمام مراحل حل مسئله، با ترجیحات فکری مختلف، راه‌حل‌های مختلف را تولید و با کمک سرمایه روانشناختی فرایند حل مسئله را تسهیل می‌کند.

محدودیت این پژوهش، به‌کارگیری ابزار خودگزارشی است که ممکن است به علت سوگیری مطلوبیت اجتماعی در آزمودنی‌ها بر درستی گزارش آنها تأثیر بگذارد. نبود تحقیقات مشابه در کشور نیز از محدودیت‌های این پژوهش بود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، از روش‌های دیگر جمع‌آوری اطلاعات مانند مصاحبه استفاده شود تا داده‌های اصیل‌تری به دست آیند. بهره‌گیری از پژوهش‌های ترکیبی (کمی و کیفی) به این امر کمک می‌کند. با توجه به آموزش‌پذیر بودن سرمایه روانشناختی پیشنهاد می‌شود دانشگاه دوره‌های مختلف آموزشی را برای دانشجویان لحاظ کند تا اعتمادبه‌نفس، خودکارآمدی، خوش‌بینی و تاب‌آوری و امیدواری را در آنها افزایش دهد. دانشگاه‌ها به ابعاد روانشناختی دانشجویان به‌عنوان یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در تعیین روحیه و انگیزش دانشجویان برای حل مسائل زندگی‌شان توجه داشته باشند و آموزش‌های لازم را برای آنها فراهم کنند. به برنامه‌ریزان درسی پیشنهاد می‌شود محتوای کتب درسی دانشگاهی و سرفصل‌های آموزشی را به گونه‌ای طراحی کنند که دانشجویان با ترجیحات فکری مختلف از آنها بهره‌گیرند و زمینه‌های بهبود حل مسئله اجتماعی آنها را موجب شود. برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای تقویت مهارت‌های تفکر تمام‌مغزی دانشجویان پیشنهاد می‌شود.

منابع

آرمان، ح، منظری توکلی، ح؛ سلطانی، ا و زین‌الدینی میمند، ز. (۱۳۹۷). بررسی رابطه سبک‌های یادگیری کلب با ترجیحات فکری در دانشجویان دانشگاه

بررسی کارکرد نظریه چهار ربع مغزی ندرهمن در نیل به بلوغ دانش و تفکر متوازن. ششمین کنفرانس مدیریت دانش، سالن همایش‌های شهید بهشتی، تهران.

رسته‌گار، ع؛ مملک‌دار، م و تاج‌الدین، م. (۱۳۹۰). سنجش و ارزیابی میزان اثربخشی سیستم آموزش بر سبک فکری بر اساس مدل ندرهمن. نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، ۶(۲)، ۱۰۵-۱۱۸.

رسولی، آ؛ تاجیک، ا. (۱۳۹۶). رابطه علی انطباق‌پذیری مسیر شغلی، سرمایه روانشناختی و هوش معنوی با میانجی‌گری خود کارآمدی شغلی دانشجویان. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، ۹(۳۳)، ۳۳-۴۸.

رشیدی کوچی، ف؛ نجفی، م؛ محمدی‌فر، م. (۱۳۹۵). نقش سرمایه‌های روانشناختی مثبت و عملکرد خانواده در پیش‌بینی شادکامی در دانش‌آموزان دبیرستانی. پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت، ۵(۳)، ۹۵-۷۹.

زهراکار، ک؛ رضازاده، آ و احقر، ق. (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر خود کارآمدی دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر رشت. فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، ۵(۳)، ۱۳۴-۱۵۰.

صبحی قراملکی، ن؛ ابولقاسمی، ع و دهقان، ح. (۱۳۹۳). مقایسه تسلط نیم‌کره‌های مغزی A، B، C و D دانش‌آموزان عادی و ناتوان یادگیری. مجله ناتوانی‌های یادگیری، ۳(۴)، ۵۹-۷۹.

عربی، م؛ ثقه‌الاسلامی، ع و فولادیان، ج. (۱۳۹۳). مقایسه تسلط ربع‌های مغزی (شیوه، تفکر) دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار. نشریه رشد و یادگیری حرکتی، ۶(۳)، ۳۰۹-۳۲۵.

عرب‌زاده، م؛ کدیور، پ؛ و دلاور، ع. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی آموزش راهبردهای یادگیری خودگردان

فرهنگیان کرمان. مجله علوم شناختی، ۱۷(۷۱)، ۸۰۹-۸۱۶.

باقرپور، ا. (۱۳۹۴). سرمایه روانشناختی اعضای هیئت علمی بر رضایت دانشجویان از طریق نقش واسطه عواطف مثبت. تأثیر و قابلیت حل مسئله اعضای هیئت علمی و عدالت درک‌شده دانشجو. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.

بهادری خسروشاهی، ج؛ هاشمی نصرت‌آباد، ت و باباپور خیرالدین، ج. (۱۳۹۱). رابطه سرمایه روانشناختی با سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز. مجله تخصصی پژوهش و سلامت، ۲(۱)، ۱۴۵-۱۵۳.

بیرامی، م؛ هاشمی، ت؛ عزیزاده گورادل، ج و عزیزاده، ح. (۱۳۹۱). پیش‌بینی توان حل مسئله اجتماعی براساس سبک‌های شناختی در جمعیت دانشجویی. مجله شناخت اجتماعی، ۱(۱)، ۷۷-۸۴.

چراغی، ا؛ ابوالمعالی، خ. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله اجتماعی بر افزایش سرمایه روانشناختی در زنان متأهل. فصلنامه علمی پژوهشی خانواده و بهداشت، ۵(۱)، ۱-۱۴.

حائری‌زاده، خ؛ محمدحسین، ل. (۱۳۸۶). تفکر خلاق و حل خلاقانه. چاپ پنجم. نشر نید.

حامدی، ا؛ مرادی، س؛ ساسانیان اصل، ز؛ ترابی، م و آرمان، ح. (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای ترجیحات فکری ندرهمن در تأثیر سبک‌های یادگیری کلب بر خودتنظیمی یادگیری در دانشجویان. رویکردهای نوین آموزشی، ۱۵(۱)، ۱۰۳-۱۱۴.

حقیقی آذر، س. (۱۳۹۴). تعیین نوع تفکر دانش‌آموزان براساس الگوی ندرهمن و رابطه آن با عملکرد و رضایت دانش‌آموزان در دوره متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی. خزایی، م؛ حسن‌زاده، م و خزایی، ح. (اسفند ماه ۱۳۹۲).

مقدس، ا؛ سید عباس زاده، م و غنائی چمن‌آباد، ع. (۲۳) آذر (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبک تفکر خلاقانه ربع مغزی سطح اثربخشی مدیران آموزشی با قابلیت انطباق آنها. نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روانشناسی، مروت. دشت.

نصری، ص؛ صالح صدق‌پور، ب؛ چراغیان رادی، م. (۱۳۹۳). مدل‌یابی ساختاری رابطه خودکارآمدی، فراشناخت با ارزیابی حل مسئله دانش‌آموزان متوسطه. فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی مدرسه و آموزشگاه، ۳(۳)، ۱۲۱-۱۰۶.

وحیدی، ز؛ جعفری هرنیدی، ر. (۱۳۹۶). پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی براساس مؤلفه‌های سرمایه روانشناختی و مؤلفه‌های نگرش معنوی. مجله علمی پژوهشی روانشناسی مثبت، ۳(۲)، ۵۱-۶۴.

وطن‌خواه، ا؛ ظهوریان نادعلی، ا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین الگوی ترجیحات فکری کارکنان و آمادگی آنها برای تغییر سازمانی. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انسانی دانشگاه جامع امام حسین، علیه‌السلام، ۷(۴)، ۱-۲۵.

هدایتی، م و ماه‌زاده، ح. (۱۳۹۵). «فلسفه برای کودکان» و مهارت حل مسئله اجتماعی. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۳(۱)، ۵۴-۲۹.

Blunch, N. (2012). *Introduction to structural equation modeling using IBM SPSS statistics and AMOS*. Sage.

Churchill, J.A. (2008). Teaching Nutrition to the Left and Right Brain: An overview of learning styles. *Teaching Nutrition in the veterinary sciences*, 35(2), 275-280

D’Zurilla, T.J.; Nezu, A.M. and Maydeu-Olivares, A. (2002). *Social Problem-Solving Inventory-Revised. Technical Manual*. North Tonawanda. Multi-Health Systems.

Farmer L. J. (2004). Left brain right brain whole brain. *School Library Media Activities Monthly*, 2(3), 27-36.

Luthanz, F; Avolio, B.J.; Avey, J.B.; Norman, S.M. (2007). Positive Psychological Capita Measuegment and relationship with

بر مهارت حل مسئله اجتماعی دانش‌آموزان. دوفصلنامه علمی پژوهشی شناخت اجتماعی، ۳، ۸۲-۷۱.

عزیزی‌نژاد، ب. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سبک تفکر بخش‌های چهارگانه مغزی با مهارت‌های مدیران دانشگاه آزاد اسلامی. مجله علمی پژوهشی مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۵(۲)، ۳۷۹-۳۹۴.

فطین، ش؛ حسینیان، س؛ اصغر نژاد فرید، ع؛ ابوالمعالی، خ. (۱۳۹۷). ارزیابی مدل نقش مهارت حل مسئله اجتماعی و سرمایه روانشناختی بر فرسودگی تحصیلی با میانجی‌گری کمک‌طلبی از همسالان و وجدان تحصیلی. پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت، ۳(۴)، ۷۵-۹۰.

کمالی‌نیا، ص. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش تاب‌آوری گروهی بر بهزیستی روانشناختی و حل مسئله اجتماعی در نوجوانان پسر شهر بندرعباس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد بندرعباس.

مخبری، ع؛ درتاج، ف و دره‌کردی، ع. (۱۳۸۹). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی و هنجاریابی پرسشنامه توانایی حل مسئله اجتماعی. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۱(۴)، ۵۵-۷۲.

مشتاقی، س؛ مویدفر، ه. (۱۳۹۶). نقش مؤلفه‌های سرمایه روانشناختی (امید، خوش‌بینی، تاب‌آوری و خودکارآمدی) و جهت‌گیری اهداف پیشرفت در پیش‌بینی احوال‌کاری تحصیلی دانشجویان. دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری، ۵(۸)، ۷۸-۶۱.

مقدس، ا؛ سیدعباس زاده، م؛ غنائی چمن‌آباد، ع. (۱۳۸۹). بررسی رابطه تسلط ربع‌های مغزی مدیران آموزشی با سطح اثربخشی عملکرد آنها. مطالعات روانشناسی تربیتی، ۱۱(۱)، ۱۹-۱.

- Luthans F, Youssef CM, Avolio BJ. (2007). *Psychological capital*. Oxford University Press.
- De Boer A., Steyn T. & Du Toit P.H. (2001). Whole brain teaching for whole brain learner. *South African Journal for Higher Education*. 15, 188-193.
- Sharma, B. (2015). A study of resilience and social problem solving in urban Indian dolescents. *The International Journal of Indian Psycholog*, 2 (3), 70-85.
- Youssef-Morgan, C. M., & Luthans, F. (2015). Psychological capital and wellbeing. *Journal of Stress and Health*, 31, 3, 180-188.
- performance and satisfaction. *Personnel Psychology*, 60 (3): 541–572.
- Harris, L.A., Sadowski, M.A. & Birchman, J.A. (2006). A comparison of learning style models and assessment instruments for University Graphics Educators. *The Engineering Design Graphics Division Journal*, 70 (1):14-24. 2(4), 791-802
- Herrmann N. (1995). *The Creative Brain*. 2nd ed. Quebecor printing Book group.
- Kline, R. (2016). *Data preparation and psychometrics review. Principles and practice of structural equation modeling (4th ed., pp. 64-96)*. Guilford.